

ظن و گمان در قرآن و روایات اسلامی و بررسی آن در خطابات قرآنی مربوط به وقایع صدر اسلام

احمد میرزایی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۵

فاطمه ریاحی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۱

چکیده

در این تحقیق به چپستی گمان، آسیب‌ها و تهدیدهای گمان بد بر علیه فرد و جامعه و راهکارهای برون رفت از خطرات آن و در مقابل به فرصت‌هایی که گمان خوب به وجود می‌آورد و ثمرات فردی و اجتماعی، دنیایی و آخرتی آن پرداخته شده است. به اضافه اینکه حدود و ثغور آن را در شرع و سنت مقدس تعیین کردیم و خصوصاً به بررسی آن در کلام امیر کلام حضرت امام علی(ع) پرداختیم. برای بررسی موارد فوق از روش تحقیق توصیفی استفاده شد و با مراجعه به منابع مکتوب و غیر مکتوب و سایت، مطالب لازم جمع آوری گردیده است. آنچه به عنوان نتیجه این تحقیق می‌توان نام برد این است که: گمان همچون دیگر نعمات خداوند متعال اگر در مسیر الهی خودش حرکت کند و با مدیریت الهی و تحت فرامین شرعی پیش برود عامل درونی بسیار مهمی است برای پیشرفت انسان و حرکت به سمت خداوند متعال، ولی چنانچه به مدیریت شیطان در آید و حاکم بر آن نفس انسانی باشد تبدیل به سم مهلکی برای روح انسان و جامعه اسلامی می‌گردد.

کلیدواژه‌گان: ظن، بدگمانی، حُسن ظن، ضعف نفس، اثم.

پژوهش‌های قرآنی و مطالعات قرآنی
پرتال جامع علوم انسانی

* مدرس رسمی حوزه علمیه تهران، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

mirzaie.ahmad53@gmail.com

** فارغ التحصیل سطح دو حوزه علمیه خواهران، کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث.

نویسنده مسئول: احمد میرزایی

مقدمه

وجود انسان از دو بعد روح و جسم تشکیل شده است که هر کدام از این دو محمل نعمات بزرگی می‌باشد. همانطور که خداوند در جسم انسان اعجاز نموده به گونه‌ای که در سر در آوردن از هر قسمت کوچکی از عضو عضو این مصنوع الهی فوق تخصص‌های بشری اقرار به ضعف می‌کنند، ودایع بسیار ارزشمندی را در روح انسان به جا گذاشته است. از جمله این ودایع نعمت ظن و گمان است. اگرچه با دیدن کلمه ظن ابتدا سوء ظن به یاد انسان می‌آید ولی این نعمت نیز چون دیگر نعمت‌های الهی در چارچوب دستورات خداوند می‌تواند تأثیر مهمی بر رشد معنوی انسان بگذارد.

آنچه علت انجام این تحقیق شد این بود که پژوهشگر این تحقیق در بین انسان‌ها گونه‌ای از ناامیدی به خداوند متعال و رحمت او مشاهده نمود که مانع بزرگی برای رشد معنوی برای آن‌ها بود. خصوصاً عده‌ای که به علل مختلف فرصتی از عمر خود را به خطا رفته و از دست داده‌اند. علاوه بر این حسن ظن به خدا عامل بسیار مهمی در سیر الی الله بوده و بدگمانی به خدا و خلق او از گناهانی است که عامل بسیاری از گناهان دیگر است.

از این رو با بررسی متون روایی بالأخص کتاب شریف نهج البلاغه در این زمینه و تطبیق آن با کلام وحی جایگاه و ارزش والای این موهبت الهی را بررسی کردیم.

پیشینه تحقیق

نظر به اینکه بررسی یکی از حالات درونی انسان که بالوجدان قابل درک است و آثار بس خطیر آن در کنش‌های فردی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است، مقالات متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند.

در جستار انجام شده مقالاتی همچون مقاله دکتر سید محمود طیب حسینی به بررسی مفهوم واژه ظن در زبان عرب و بالأخص قرآن در مقاله «معناشناسی واژه ظن در قرآن کریم» پرداخته‌اند. همچنین مقاله «بررسی مفهوم ظن و گمان در قرآن کریم» از نویسندگان محمدحسین توانایی و فرخنده بهاء‌الدینی نیز به بررسی معنا و مفهوم این واژه پرداخته‌اند.

اما در این نوشته علاوه بر پرداختن به مفهوم شناسی کلمه ظن، سوء ظن و حسن ظن، به تأثیر بسزای این سه در رفتارهای منافقین و مسلمانان صدر اسلام و گزارش‌های قرآن از وقایع جنگ‌های احد و احزاب و صلح حدیبیه و عتابات و خطابات قرآن پرداخته شده است.

ضمناً با توجه به اینکه قصص قرآنی با اهداف زمانی خاص زمان تلاوت کننده آن می‌توانند قابل طرح باشند نویسندگان این مقاله سعی بر تطبیق آیات قرآن و زمان نزول با زمان حال در مورد این مقوله مهم نموده و تأثیر مسأله ظن و دو طرف سوء و حسن آن بر کنش‌ها و واکنش‌های انسانی در جامعه فعلی و رفتارهای شخصی بررسی کرده‌اند.

معنای لغوی ظن

ظن بنا بر نظر اهل لغت هم به معنای شک استعمال شده است و هم به معنای یقین. برای نمونه خلیل فراهیدی در مورد لغت ظن اینگونه می‌گوید: «والظن یكون بمعنی الشک وبمعنی الیقین» (۱۴۰۹ق: ۱۵۱) و ظن به معنای شک و یقین است. راعب در «مفردات» می‌گوید: «ظن» به معنای «اعتقادی» است که از دلیل و قرینه حاصل می‌شود، این اعتقاد گاه قوی می‌شود و به مرحله یقین می‌رسد و گاه ضعیف است و از حد گمان تجاوز نمی‌کند (اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۳۹).

معنای اصطلاحی ظن

از آنجا که اصطلاح ظن تنوع مفهومی دارد و در علوم مختلف از جمله علم منطق و علم اصول دارای بار معنایی خاصی می‌باشد، بررسی و بحث در مورد آن مجال خاص خود را می‌طلبد، در حالی که این تحقیق در صدد مطرح کردن مسائلی پیرامون سوء ظن می‌باشد. لذا در اینجا به معنای اصطلاحی سوء ظن می‌پردازیم.

مفهوم سوء ظن آن است که هرگاه کاری از کسی سرزند که قابل تفسیر صحیح و نادرست باشد آن را به صورت نادرستی تفسیر کنیم، مثلاً هنگامی که مردی را با زن ناشناسی ببیند فکر کند آن زن نامحرم است و نیت آن‌ها ارتکاب اعمال خلاف می‌باشد، در حالی که مقابل حسن ظن می‌گوید بگو حتماً محرم یا همسر او است. یا هنگامی که

شخصی اقدام به ساختن مسجد یا بنای خیر دیگری می‌کند مقتضای سوء ظن آن است هدفش ریاکاری یا اغفال مردم است، در حالی که حُسن ظن می‌گوید این عمل را با انگیزه الهی و نیت خیرخواهانه انجام داده است.

از اینجا روشن می‌شود که دایره حُسن ظن و سوء ظن بسیار وسیع و گسترده است و نه تنها در عبادات بلکه در مسائل اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی نیز جاری می‌شود و هنگامی که این دو واژه درباره خداوند به کار رود، منظور از حُسن ظن آن است که به وعده‌های الهی امیدوار باشد، وعده رزق و روزی، وعده یاری کردن یارانش و مانند این‌ها. معنی سوء ظن آن است که به هنگام بروز مشکلات نسبت به وعده‌های الهی متزلزل شود، و هنگام پیش آمدن امتحانات دشوار در مسائل مالی و غیر آن، وعده‌های خداوند را فراموش کرده رو به گناه آورد. مرحوم نراقی در کتاب شریف «جامع السعاده» در بیان معنای اصطلاحی ظن اینطور می‌نویسد: «مراد از سوء ظن این است که گمان بد را به دل راه دهی و نفس را به آن مایل کنی لکن مجرد گذشتن چیزی به خاطر بلکه شک کردن، ظن بد نیست. زیرا آنچه در آیات و اخبار از آن نهی شده ظن است. و ظن طرف راجح است که موجب میل نفس به آن می‌شود و نشانه‌های تمایز سوء ظن از مجرد خطور امری به دل این است که به واسطه سوء ظن تغییری در دل از الفت و محبت به کراهت و نفرت پیدا می‌شود و یا رفتار و معاشرت نسبت به گذشته تفاوت می‌کند». با توجه به فرمایش مرحوم نراقی درمی‌یابیم تعریف سوء ظن رجحان دادن طرف بدبینی به خوش بینی در قلب انسان است (۱۳۸۸ش: ۳۱۹) و

مذمت سوء ظن در قرآن کریم

روابط انسان در طول شبانه روز از سه حالت خارج نیست:

رابطه انسان با خویشتن

رابطه انسان با خدا

رابطه انسان با خلق خدا

ظنون انسان نیز از این سه حالت خارج نمی‌باشد. سوء ظن انسان به خویشتن بر خلاف دو حالت دیگر نه تنها مضر نیست بلکه منشأ رشد انسان نیز می‌باشد. چراکه

علمای اخلاق معتقدند توقف در سیر معنوی انسان زمانی حاصل می‌شود که انسان خود را در اوج قله تزکیه ببیند لذا انسان با سوء ظن به نفس خویش که بنا بر فرموده امام علی (علیه السلام) دشمن ترین دشمنان است باید هرآینه از خود مراقبت کند تا عاقبتی خیر را برای خود رقم بزند. این چنین است که امام علی (علیه السلام) پارسایان را در خطبه معروف به «همام» اینطور توصیف می‌نمایند:

«فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ، وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مَشْفِقُونَ إِذَا زُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ، فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي، وَرَبِّي أَعْلَمُ مِنِّي بِنَفْسِي. اللَّهُمَّ لَا تَوَاحِدْنِي بِمَا يَقُولُونَ، وَاجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ، وَأَعْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ» (رضی: خ ۱۹۳)

آن‌ها خویشان را متهم می‌کنند، و از اعمال خود بیمناک‌اند، هر گاه یکی از آن‌ها ستوده شود از آنچه درباره او گفته شده ترسان می‌گردد، و می‌گوید: من از دیگران نسبت به خویشان آگاه‌ترم، و پروردگارم نسبت به اعمالم از من آگاه‌تر است! خداوند! به آنچه آن‌ها می‌گویند مرا مؤاخذه مکن، و مرا از آنچه آن‌ها فکر می‌کنند برتر قرار ده، و آنچه را آن‌ها نمی‌دانند بر من ببخش! در «تفسیر نمونه» در ذیل آیه شریفه ششم از سوره مبارکه فتح به این مطلب اینچنین اشاره شده است: «سوء ظن، گاهی نسبت به خویشان است، گاهی نسبت به دیگران، و گاه نسبت به خدا، همانطور که «حسن ظن» نیز تقسیم سه‌گانه‌ای دارد. اما سوء ظن نسبت به خویشان در صورتی که به حد افراط نرسد نردبان تکامل است، و سبب می‌شود که انسان نسبت به اعمال خود سختگیر و مو شکاف باشد، و جلوی عجب و غرور ناشی از اعمال نیک را می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۶/۲۲).

البته با توجه به آنچه در تفسیر این آیه شریفه گذشت این نکته قابل توجه است که سوء ظن به خویشان نباید به گونه‌ای باشد که انسان از رحمت الهی مأیوس شود و خود را به گونه‌ای در قعر دوزخ ببیند که دست از جبران نمودن آنچه از او سر زده بکشد. لذا در این مورد هم مثل دیگر موارد انسان باید حد تعادل را حفظ نماید، چرا که بنا بر فرمایش حضرت امام علی (علیه السلام) وا گذاشتن حد وسط در امور کار جاهلان است. در آنجا که ایشان می‌فرمایند:

«لَا يَرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (سید رضی: حکمت ۶۷)

اما دومین حالت که بدترین حالت سوء ظن می‌باشد، سوء ظن بالله است که در قرآن کریم و فرمایشات اهل بیت (علیهم السلام) بسیار زیاد مورد نکوهش قرار گرفته است. در «تفسیر نمونه» در ادامه تفسیر آیه ششم از سوره مبارکه فتح اینطور می‌آید: «و اما «سوء ظن» نسبت به خداوند یعنی نسبت به وعده‌های او، نسبت به رحمت و کرم بی پایان او، بسیار زشت و زننده است، و نشانه ضعف ایمان و گاه نشانه عدم ایمان است. قرآن کراراً از سوء ظن افراد بی ایمان، و یا ضعیف‌الایمان، مخصوصاً به هنگام بروز حوادث سخت اجتماعی و طوفان‌های آزمایش یاد می‌کند، که چگونه مؤمنان در این مواقع با حسن ظن تمام، و اطمینان به لطف پروردگار ثابت قدم می‌مانند اما افراد ضعیف و ناتوان زبان به شکایت می‌گشایند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۸/۲۲).

قرآن کریم نمونه‌های زیادی از تقابل سوء ظن منافقین و افراد ضعیف‌الایمان به وعده‌های الهی و حسن ظن و امید سرشار مؤمنین به خدا و وعده‌هایش در وقایع و حوادث تاریخ اسلام بیان نموده است و زبان به مدح مؤمنان و ذم کافران گشوده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

﴿ويعذب المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ

دائرة السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (فتح / ۶)

«و(نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند(آری) حوادث ناگواری(که برای مؤمنان انتظار می‌کشند) تنها بر خودشان نازل می‌شود! خداوند بر آن‌ها غضب کرده و از رحمت خود دور ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده، و چه بد سرانجامی است»

این آیه در مورد سوء ظن نسبت به ساحت قدس پروردگار عالم است. جمله آغازین این آیه شریفه عطف به جمله ابتدایی آیه قبل است که در مقام علت و هدف برای فتح مبین(فتح حدیبیه) می‌باشد. یعنی آیه ششم که خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

﴿يدخل المؤمنین والمؤمنات جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ويكفر عنهم

سيئاتهم وكان ذلك عند الله فوزاً عظيماً﴾ (فتح / ۵)

«و نیز چنین کرد تا مردان و زنان مؤمن را به جناتی درآورد که از زیر آن نهرها جاری است جناتی که ایشان در آن جاودانه‌اند و گناهانشان را جبران کند که این در آخرت (نزد خدا) رستگاری عظیمی است»

و به عبارت دیگر خداوند متعال ثمره‌ای دیگر برای این فتح بزرگ برمی‌شمرد که همان تعذیب زنان و مردان منافق و مشرک است که در آیه ششم این سوره به آن اشاره شده است. اما در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا در این آیه خداوند زنان و مردان منافق و مشرک را با تعبیراتی اینچنین بزرگ و سخت مورد نکوهش قرار می‌دهد و توبیخاتی شدید را به آنان وعید می‌دهد؟ توبیخاتی مثل حوادث بدی را که آن‌ها برای مؤمنان انتظار داشتند، تنها بر خودشان نازل می‌شود، خداوند به آن‌ها غضب کرده و از رحمتش دور ساخته و آماده کردن جهنم برای آن‌ها.

جواب این سؤال را می‌توان در قاعده اصولی «تَعْلِيقُ الْحُكْمِ عَلَى الْوَصْفِ مُشْعَرٌ بِالْعِلِّيَّةِ» که در تفسیر آیات قرآن نیز کاربرد دارد جست‌وجو کرد به این صورت که علت این همه شدت و حدت در تعذیب و توبیخ و وعید الهی وصف «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ» (فتح/۶) است؛ که اشاره به سوء ظن به الله تبارک و تعالی دارد و پرده از قباحت این عمل و شنائت و بزرگی آن در نزد پروردگار عالم برمی‌دارد.

گمان بدی که آن‌ها به خدا بردند این بود که: وعده‌های الهی به پیامبرش هرگز تحقق نخواهد یافت و مسلمانان نه‌تنها بر دشمنان پیروز نمی‌شوند، بلکه هرگز به مدینه باز نخواهند گشت همانگونه که مشرکان نیز گمان داشتند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و یارانش با آن جمع کم و نداشتن اسلحه کافی در هم کوبیده می‌شوند و ستاره اسلام به زودی افول می‌کند، در حالی که خداوند وعده پیروزی به مسلمانان داده بود و سرانجام چنین شد. مشرکان نه‌تنها جرأت حمله به مسلمین را پیدا نکردند (با اینکه مسلمین در حدیبیه نزدیک مکه در چنگال آن‌ها بودند، و چون به قصد زیارت خانه خدا آمده بودند نه به قصد جنگ، سلاحی جز شمشیر که سلاح مسافر است با خود نداشتند) خداوند آنچنان رعب و وحشتی در دل مشرکان انداخت که حاضر به تنظیم صلحنامه معروف حدیبیه شدند، همان صلحنامه‌ای که راه پیروزی‌های آینده را به روی مسلمانان گشود.

﴿بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ
وَظَنَّتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ (فتح/ ۱۲)

این آیه شریفه نیز مثل آیه قبل از سوره مبارکه فتح در مقام نکوهش همان گروه منافقانی است که از ملازمت رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جریان حدیبیه سر باز زدند و گمان می‌کردند آن گروه از مؤمنان که در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مکه می‌روند هرگز باز نخواهند گشت و به وسیله مشرکان مکه تار و مار می‌شوند، در حالی که قضیه کاملاً بر عکس شد و مسلمانان با پیروزی تازه‌ای که از صلح حدیبیه سرچشمه گرفت سالم به سوی مدینه بازگشتند می‌فرماید: بلکه شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانه خود باز نخواهند گشت، و این پندار غلط در دل‌های شما زینت یافته بود و گمان بد کردید، و سرانجام هلاک شدید، و از سعادت بزرگی محروم گشتید.

اما سومین حالت در سوء ظن گمان بد به خلق خداست. بدگمانی به صورت کلی و به صورت خاص به خلق هنگامی که به صورت یک حالت درونی درآید از مهم‌ترین رذایل اخلاقی است که موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها، و گروه‌ها و جوامع انسانی است. نخستین ثمره شوم بدگمانی عدم اعتماد است و هنگامی که اعتماد از میان برود، همکاری غیر ممکن می‌شود، و با از میان رفتن همکاری جوامع انسانی به جهنم سوزانی تبدیل می‌شود که همه از یکدیگر می‌ترسند و در فکر خنثی کردن فعالیت‌های یکدیگرند. سوء ظن اگر در جامعه‌ای خلق و خوی افراد آن جامعه بشود روح وحدت و همدلی را که بسیار مورد سفارش خداوند و از تعالیم مهم انبیا هست به خطر می‌اندازد. قرآن کریم در مواضع گوناگون و تحت بیان وقایع تاریخی مختلفی به مذمت این رذیله اخلاقی پرداخته است که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾ (حجرات/ ۱۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه پاره‌ای از گمان‌ها گناه است»

در این آیه شریفه بحث از سه حکم اسلامی در زمینه مسائل اخلاق اجتماعی به میان آمده است. احکام سه‌گانه آیه دوازدهم از سوره مبارکه حجرات به ترتیب: اجتناب از

گمان بد، تجسس و غیبت است. کنار هم آمدن این سه حکم و ترتیب آمدنشان بعضی از مفسرین را به این اعتقاد واداشته که گمان بد مقدمه تجسس و تجسس مقدمه‌ای برای گناه بسیار مذموم غیبت است. برای نمونه مفسر «تفسیر نمونه» اینطور می‌نویسد: «در حقیقت گمان بد عاملی است برای جست‌وجوگری، و جست‌وجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم، و اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی آن‌ها فاش شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۴).

و یا در ادامه تفسیر این آیه اینطور می‌آورد: «و به این ترتیب گمان بد سرچشمه تجسس، و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی، و آگاهی بر این امور سبب غیبت می‌شود که اسلام از معلول و علت همگی نهی کرده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

اما در مورد این آیه شریفه سؤالاتی مطرح می‌شود: آیا گمان به صورت مطلق ناشایست است؟ به عبارت دیگر نهی از گمان در این آیه مطلق است یا خیر؟ گمان امری اختیاری است و یا از حدود اراده انسان خارج است؟ و اگر ارادی نیست چگونه متعلق نهی الهی قرار گرفته است و اجتناب از آن طبق نص صریح این آیه واجب است؟

جواب این است که: خیر! گمان به صورت مطلق ناشایست نیست چراکه مقوله‌ای اعم است که گمان خوب و بد را نیز در بر می‌گیرد و این در حالی است که حسن ظن مورد سفارش دین مبین اسلام است. در این مورد مفسر «تفسیر المیزان» می‌نویسد: «مراد از ظنی که در این آیه مسلمین مأمور به اجتناب از آن شده‌اند، ظن سوء است، وگرنه ظن خیر که بسیار خوب است، و به آن سفارش هم شده، همچنان که از آیه ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا﴾ هم استفاده می‌شود (موسوی همدانی، ۱۳۷۶: ۴۸۴).

﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا افْكٌ مِّبِينٌ﴾

(نور/ ۱۲)

در آخرین آیه نیز مذمت از سوء ظن به طور عام و دعوت به حُسن ظن است، این آیه ناظر به داستان افک (دروغ و تهمت) است؛ می‌دانیم گروهی از منافقان یکی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را متهم به خارج شدن از جاده عفاف کردند و شایعه‌ای برای وی درست کرده و در یک زمان آن شایعه را در تمام مدینه پخش کردند.

گرچه هدف گیری ظاهراً به سوی یکی از همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بود، ولی در واقع هدف اصلی خود پیامبر و اسلام و قرآن بود، در این هنگام آیات کوبنده‌ای نازل شد که پرده‌های نفاق منافقان را کنار زد و نقشه‌های آن‌ها را نقش بر آب نمود، و این توطئه را در نطفه خفه کرد.

تعبیرات این آیات به قدری حساب شده و آمیخته با نکات روانی دقیق است که اعجاب هر انسانی را برمی‌انگیزد. آیه مورد بحث که یکی از آیات پانزده گانه‌ای است که در داستان اِفک نازل شد چنین می‌فرماید: «چرا هنگامی که این(تهمت بزرگ) را شنیدید، مردان و زنان باایمان، نسبت به خود(و کسی که همچون خود آن‌ها بود) گمان خیر نبردند، چرا نگفتید این دروغ بزرگ و آشکار است».

سوء ظن در روایات

نکوهش سوء ظن به عنوان یکی از بدترین و زشت‌ترین رذائل اخلاقی در روایات اسلامی بازتاب گسترده‌ای دارد.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: «إياكم والظنّ فإنّ الظنّ اكذب الكذب»(عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۸): از گمان بد بپرهیزید که گمان بد، بدترین نوع دروغ است.

در حدیث دیگری از همان حضرت می‌خوانیم: «إنّ الله حرّم من المسلم دمه وماله وعرضه وأنّ يظنّ به السّوء»(کاشانی، بی‌تا: ۲۶۸): خداوند خون و مال و آبروی مسلمانان را بر یکدیگر حرام کرده و همچنین گمان بد درباره آن‌ها را.

در حدیث دیگری از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «سوء الظنّ بالمحسنین شرّ الإثم وأقبح الظلم»(کاشانی، بی‌تا: ۲۶۸): بدگمانی نسبت به افراد نیکوکار بدترین گناه و زشت‌ترین ستمگری است.

در نهج البلاغه امیر کلام دستوری راهبردی برای کسی که سخنی را می‌شنود و گمان بد به آن می‌برد، می‌فرمایند: ««لا تظنّ بكلمة خرجت من أحد سوء وأنت تجد لها في الخير محتملاً(محتملاً)»(سید رضی، حکمت ۳۶۰): هر سخنی که از دهان کسی

خارج می‌شود، گمان بد نسبت به آن مبر، در حالی که می‌توانی آن را حمل بر صحیح کنی.

پیامدها و آثار شوم سوء ظن به خلق خدا

گسترش دامنه سوء ظن در جوامع بشری، آثار بسیار زیانبار و نامطلوبی دارد که بسیار قابل توجه است:

۱. از میان رفتن اعتماد

اعتماد مهم‌ترین سرمایه جامعه است. از مهم‌ترین آثار سوء این رذیله اخلاقی رواج بی‌اعتمادی در جامعه است که در اخبار گذشته نیز به آن اشاره شده بود که بدترین مردم را کسی برمی‌شمرد که به خاطر سوء ظن زیاد به کسی اعتماد ندارد در آنجا که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَثِقُ بِأَحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ وَلَا يَثِقُ بِهِ أَحَدٌ لِسُوءِ فَعْلِهِ» (امدی، ۱۳۳۷: ۴۴۷).

بدترین مردم کسی است که به خاطر سوء ظن به هیچ کس اعتماد ندارد، و به خاطر اعمال بدش کسی به او اعتماد نمی‌کند.

۲. مقدمه و زمینه برای حوادث و گناهان

در بسیاری از موارد انسان به دنبال سوء ظن خود حرکت می‌کند و حادثه می‌آفریند، و گاه حتی به خون ریزی منتهی می‌شود. خصوصاً در باب معضلات اجتماعی که خود موضوع بسیار قابل تأملی هست برای نمونه می‌توان به سوء ظن به نوامیس نام برد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «سُوءُ الظَّنِّ يَفْسِدُ الْأُمُورَ وَيُبْعَثُ عَلَي الشَّرِّ» (واسطی، بی تا: ۲۸۳).

سوء ظن کارها را به فساد می‌کشد و مردم را به انواع بدی‌ها وادار می‌کند.

۳. از دست دادن دوستان

سوء ظن باعث می‌شود که انسان به سرعت دوستان خود را از دست بدهد، حتی نزدیکانش او را تنها بگذارند، و این وحشتناک‌ترین غربت است چراکه هیچ انسان با شخصیتی حاضر نمی‌شود با کسی معاشرت کند که اعمال نیک او را با بدگمانی تفسیر کند.

در روایتی دیگر از امام علی (علیه السلام) نقل شده: «لَا يَغْلِبَنَّ عَلَيْكَ سُوءُ الظَّنِّ فَإِنَّهُ لَا يَدْعُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحاً!» (حرانی، ۱۴۰۴: ۷۷): هیچ وقت به سوء ظن و بدگمانی گرفتار مشو و آلا با هیچ دوست و رفیقی جای آشتی برایت نخواهد گذاشت!

۴. فاسد کننده عبادت

دربار برخی روایات آمده است که سوء ظن، عبادت انسان را فاسد می کند و پشت او را از بار گناه سنگین می نماید.

«إِذَا كَانَ أَنْ تَسِيءَ الظَّنَّ فَإِنَّ سُوءَ الظَّنِّ يَفْسِدُ الْعِبَادَةَ وَيَعْظِمُ الْوِزْرَ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۸): از سوء ظن بپرهیز چراکه سوء ظن عبادت را فاسد، و پشت انسان را از بار گناه سنگین می کند.

اگر منظور از سوء ظن در این روایت، سوء ظن به پروردگار باشد علت فساد عبادت روشن است و اگر نسبت به مردم باشد به خاطر آن است که در بسیاری از موارد به دنبال سوء ظن انسان مرتکب تجسس، و به دنبال تجسس مرتکب غیبت و گاه تهمت می شود.

۵. عامل انحراف فکر و تحلیل های غلط

سوء ظن چون یک تفکر انحرافی است تدریجاً در سایر افکار انسانی نیز اثر می گذارد، و تحلیل های او نیز از حوادث نادرست می شود. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ سَاءَ ظَنَّهُ سَاءَ وِجْهَتُهُ وَهُمَمُهُ»: کسی که سوء ظن داشته باشد تفکر او خراب می شود (امدی، ۱۴۱۰ق: شماره ۷۹۶۰).

۶. ترس بی دلیل

انسانی که با بدبینی به دیگری در دل خود وی (مظنون) را به خواری می کشاند نسبت به او و تمام هم نوعان او احساس ترسی دارد که هیچ مبنای عقلایی ندارد. امیر کلام درباره این مورد می فرمایند: «مَنْ لَمْ يُحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ!» (امدی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۷): کسی که حس بدبینی دارد از همه کس وحشت دارد!

۷. عامل پستی و دنائت

با توجه به روایات قبل، کسی که به گمان های بد خود دل دهد و آنها را مبنای رفتارهای خود قرار دهد کم کم به جایی می رسد که نسبت به بد و خوب، اهل ایمان و کفر، دغل باز و صالح رویه یکسان در پیش می گیرد. امام علی (علیه السلام) این روش را

علامت پستی شخص بد گمان می‌دانند در آنجا که می‌فرمایند: «سَوْءُ الظَّنِّ بِمَنْ لَا يَخُونُ مِنْ اللُّؤْمِ» (امدی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۷): سوء ظن بردن به کسی که اهل دغل و خیانت نیست نشانه لثامت و فرومایگی است.

پیامدهای سوء ظن به خدا

سوء ظن به پروردگار و بدبینی نسبت به وعده‌های الهی با توجه آنچه در احادیث معتبر وارد شده، آثار مخربی در بنیان ایمان و عقائد انسان دارد، و انسان را از خدا دور می‌سازد که در این قسمت به بعضی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. بر باد رفتن ایمان

همانگونه که در روایات گذشته خواندیم که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمود: «داود (علیه السلام) در مناجاتش می‌گفت: پروردگارا کسی که تو را بشناسد و حُسن ظن به تو نداشته باشد ایمان نیاورده است.

۲. سستی در مواجهه با حوادث

سوء ظن به وعده‌های الهی انسان را در برابر حوادث سخت و پیچیده، سُست و ناتوان می‌کند، همانگونه که در تفسیر آیات مربوط به سوء ظن خواندیم که در بعضی از میدان‌های جنگ، چگونه گروهی از تازه مسلمانان گرفتار سوء ظن به وعده‌های الهی شدند و در مبارزه با دشمن سُست گشتند در حالی که مؤمنان راستین و با معرفت که حُسن ظن به خدا داشتند، با کمال قدرت و امیدواری در برابر دشمنان ایستادند و پیروز شدند.

۳. عامل محرومیت از عنایات الهی

سوء ظن به خدا، انسان را از عنایات الهی محروم می‌کند، زیرا خداوند با هر کس مطابق حُسن ظن و سوء ظن او عمل می‌نماید، همانگونه که در حدیثی قدسی از وجود مقدس حضرت امام رضا (علیه آلف التحیه و الثناء) مروی است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۵): همانا خداوند متعال می‌فرماید: من نزد گمان بنده مؤمنم هستم، اگر خیر باشد پس با او به خیر و اگر شر باشد پس با او به شر رفتار می‌کنم.

آنچه می‌توان از این حدیث برداشت کرد این است که انسان باید در تمامی مراحل و وقایع زندگی خود امید به رحمت و مساعدت از جانب خداوند متعال داشته باشد و لحظه‌ای نباید از لطف و رحمت او ناامید شود.

سوء ظن امری اختیاری یا غیر ارادی

همانطور که قبلاً گذشت شاید سؤالی ذهن انسان را به خود مشغول کند و آن این است که آیا سوء ظن که امری درونی است از روی اختیار انسان از وی سر می‌زند یا نه؟ علاوه بر این، اگر گمان بد و خوب اختیاری نباشد، یعنی بر اثر یک سلسله مقدمات که از اختیار انسان بیرون است در ذهن منعکس شود، چگونه می‌شود از آن نهی کرد؟

علی القاعده اگر قسمت اول سؤال حل گردد درباره قسمت دوم مشکلی نیست. چراکه گمان بد به خودی خود و به تنهایی حرام نیست چون خطورات ذهنی که از آن جمله ظن سوء می‌باشد دفعتاً به ذهن انسان رسوخ می‌کند ولی آنچه که حرام است ادامه دادن و پرورش دادن آن در ذهن و ترتیب اثر عملی دادن به آن گمان بد است.

مرحوم علامه طباطبایی مفسر گرانقدر در «تفسیر المیزان» می‌فرماید: «مراد از "اجتناب از ظن" اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن، خود نوعی ادراک نفسانی است، و در دل باز است، ناگهان ظنی در آن وارد می‌شود و آدمی نمی‌تواند برای نفس و دل خود دری بسازد، تا از ورود ظن بد جلوگیری کند، پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست. بله، مگر آنکه از پاره‌ای مقدمات اختیاری آن نهی کند. پس منظور آیه مورد بحث نهی از پذیرفتن ظن بد است» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۴۸۳).

مفسر «تفسیر نمونه» نیز در مورد این شبهه دو جواب می‌فرماید: «۱- منظور از این نهی، نهی از ترتیب آثار است، یعنی هر گاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچک‌ترین اعتنایی به آن نکنید، طرز رفتار خود را دگرگون نسازید، و مناسبات خود را با طرف تغییر ندهید، بنابراین آنچه گناه است ترتیب اثر دادن به گمان بد می‌باشد.

لذا در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: «ثلاث فی المؤمن لا یستحسن، وله منهن مخرج، فمخرجه من سوء الظن ان لا یحقیقه»

(مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۸/۲۲): سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست، و راه فرار دارد، از جمله سوء ظن است که راه فرارش این است که به آن جامه عمل نپوشاند.

۲- انسان می‌تواند با تفکر روی مسائل مختلف، گمان بد را در بسیاری از موارد از خود دور سازد، به این ترتیب که در راه‌های حمل بر صحت بیندیشد و احتمالات صحیحی را که در مورد آن عمل وجود دارد در ذهن خود مجسم سازد و تدریجاً بر گمان بد غلبه کند. بنابراین گمان بد چیزی نیست که همیشه از اختیار آدمی بیرون باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

لذا در روایات دستور داده شده که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن، تا دلیلی بر خلاف آن قائم شود، و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمات صادر شده گمان بد مبر، مادام که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی: «قال أمير المؤمنين (عليه السلام): «ضع امر اخيك على احسنه حتى يأتيك ما يقلبك منه. ولا تظنن بكلمة خرجت من اخيك سوء وانت تجد لها في الخير محملاً» (کلینی، بی‌تا: باب التهمة وسوء الظن، حدیث ۳).

منشأ سوء ظن

قبل از اینکه در مورد درمان سوء ظن بحث به میان آید شایسته است که خاستگاه این رذیله اخلاقی در وجود انسان مورد بررسی قرار گیرد.

صاحب «جامع السعادة» دلیل اصلی بد گمانی را ترس می‌شمرد: «سوء ظن و بد دلی از نتایج جبن و ضعف نفس است زیرا هر جا جبان ضعیف النفسی هر فکر فاسدی را به خاطرش می‌گذرد و به واهمه‌اش درآید می‌پذیرد و پی آن می‌رود و بدگمانی گاهی موجب بیم و اندوه می‌شود و از مهلکات بزرگ است» (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۲۰).

همچنین همانطور که در روایات گذشت سوء ظن نشانه‌ای از خبث باطن است.

مرحوم نراقی در ادامه می‌فرماید: «به علاوه بدگمانی به مردم از لوازم پلیدی و خبث باطن است، و چنانکه خوش گمانی از نشانه‌های سلامت و طهارت دل به شمار می‌رود پس هر که نسبت به مردم سوء ظن داشته باشد و عیوب و لغزش‌های آنان را بجوید خبیث النفس و بیمار دل است و هر که به مردم گمان نیک داشته باشد و عیوب آنان را

بیوشاند پاکدل و خوش باطن است. بدین گونه مؤمن خوبی‌های برادر مؤمن خود را آشکار می‌سازد و منافق بدی‌های مسلمان را افشا می‌کند و از کوزه همان برون تراود که در اوست (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۲۰).

ایشان در پرده برداری از راز اینکه در روایت شریفه سوء ظن را نشانه خباث سریره دانسته‌اند می‌نویسند: «و سر اینکه بدگمانی علامت خباثت و از اغوای شیطان است و در شرع از آن نهی شده این است که: اسرار قلوب را جز علام الغیوب نمی‌داند و هیچ کس حق ندارد نسبت به دیگری اعتقاد بد داشته باشد مگر اینکه بدی‌اش به نحو آشکار که قابل تأویل به خیر نباشد معلوم شود زیرا در این صورت نمی‌تواند به علم خود و آنچه به عیان دیده معتقد نباشد. و اما چیزی را که ندیده و نشنیده فقط از راهی که نمی‌داند به دلش افتاده پس شیطان آن گمان را به دل او انداخته و باید آن را تکذیب کند زیرا شیطان از هر فاسقی فاسق‌تر است و خداوند می‌فرماید:

﴿إِنْ جَاءَكَ فَاسِقٌ بِنِیَافَتٍ تَنْوَأْنِ تَصِیْبُوا قَوْمًا بَجْهَالَةٍ﴾ (حجرات/۶)

«اگر فاسقی شما را خبری آورد بررسی و تحقیق کنید مبادا گروهی را از روی جهالت آسیب زنید»

درمان سوء ظن

شایسته است پس از پرداختن به عوامل بوجود آورنده سوء ظن سوء، راه‌های درمان این بیماری اخلاقی را نیز مورد بررسی قرار داد. اولین مرحله در درمان این رذیله اخلاقی پیگیری نکردن سوء ظن است بدین صورت که از حیث عقیده و عمل به آن ترتیب اثر نباید داد. برای نمونه روایت ذیل را می‌توان مورد توجه قرار داد:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «مَخْرَجُ الْمُؤْمِنِ مِنْ سُوءِ الظَّنِّ أَنْ لَا يُحَقِّقَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱): مؤمن، برای رهایی از بدگمانی، باید که سوء ظن خود را (هیچ گاه در خارج) به فعلیت نرساند.

مرحوم نراقی در کتاب شریف «جامع السعادة» می‌نویسد: «راه علاج سوء ظن این است که بعد از ملاحظه فساد آن و تذکر شرافت ضدّش که گمان نیک است، باید مواظب

باشی که هر گمان بدی که از مسلمانی به خاطر تو بگذرد آن را دنبال نکنی و دل خود را به آن شخص بد نسازی و رفتار خود را با او تغییر ندهی و همان دلجویی و گرامیداشت و اعتماد پیشین را کم نکنی و بلکه در مراعات و اکرام و احترام او بیفزایی و برای او دعای خیر کنی که این کار شیطان را مأیوس می‌کند و از تو می‌رانند. و دیگر گمان بد را به خاطر تو نیفکنند» (نراقی، ۱۳۸۸: ۳۲۵).

دومین مرحله حمل بر صحت کردن فعل برادر ایمانی است. در این مورد روایات زیادی از اهل بیت علیهم السلام رسیده است که در بعضی موارد دستور به حمل بر صحت کردن فعل مؤمن را تا هفتاد بار داده‌اند. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱- امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: «كَذَّبَ سَمْعَكَ وَبَصَرَكَ عَنِ أَخِيكَ، فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَقَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدَّقَهُ وَكَذَّبَهُمْ!»: چشم و گوش خود را نسبت به برادر دینی‌ات تکذیب کن آنچنان که اگر پنجاه نفر درباره او حرفی زدند و او خلاف آن‌ها را گفت تو حرف او را قبول کن و دیگران را تکذیب نما! (به او کمال خوش‌بینی داشته باش) (قمی، ۱۴۲۷ق: ۱۱۱).

یکی از راه‌های بسیار مهم که در زدودن سوء ظن از جامعه نقش پیشگیرانه و مهمی را ایفا می‌کند این است که افراد جامعه خود را از مظان اتهام دور کنند. وجود مقدس امام علی (علیه السلام) برای بازداشتن انسان‌ها از ورود به مواضع اتهام می‌فرماید: «مَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ السُّوءِ أَتَاهُمْ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۱): کسی که در اماکن نامطلوب و بدنام قدم بگذارد مورد اتهام و سوء ظن قرار خواهد گرفت.

مهم‌ترین راه مبارزه با تبعیث از ظن، زنده کردن جهان‌بینی اسلامی در وجود انسان‌هاست که قرآن به این مسأله توجه داده و انسان باید خود را با طرز تفکر اسلامی هماهنگ کند و خداوند را در همه حال حاضر و ناظر بداند که خدای متعال حتی از افکار و باطن انسان نیز آگاه است. در این صورت است که انسان مسئول تمام رفتار، گفتار و اعتقادات خود شده و در هر حوزه، سنجیده عمل کرده و در اعمال و عقائد خویش به ظن اکتفاء نمی‌کند چراکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾

(اسراء/ ۳۶)

«از پی آنچه ندانی که چیست مرو، زیرا گوش و چشم و دل، همه را، بدان بازخواست کنند»

نتیجه بحث

آنچه به عنوان نتیجه این نوشتار می‌توان بر شمرد این است که انسان امکان دارد در اول امر با شنیدن کلمه ظن معنایی منفی را در ذهن خود پیروراند، اما واقعیت چیز دیگری است.

واقعیت از این قرار است که ظن به خودی خود حالتی درونی است که بدون اتصاف به حسن و قبح مطلقاً نمی‌تواند مذموم یا غیر مذموم باشد. اما وقتی متعلق گمان، خیر و نیکویی باشد نه تنها شر نیست، بلکه منشأ برکات معنوی فراوانی است و بالعکس اگر متعلقش بدی و کژی باشد، منشأ فساد و تباهی شخصی و اجتماعی می‌شود.

لذا مستحسن است که با فهم حقیقت آن و دقت در خاستگاه آن در نفس انسانی و حدود و ثغور آن در شرع که همان کتاب الله و سنت است در پی درمان نوع سوء آن و رشد و تعالی نوع حسن آن بود.

از طرفی خداوند متعال در آیات مختلف قرآن خصوصاً آیات مربوط به وقایع صدر اسلام همچون صلح حدیبیه و جنگ احد و غیره در نهایت شدت منافقانی که گمان بد به خدا و نصرت وی را داشتند مذمت نموده، و وعید داده تا بدین وسیله از بدی و فساد گمان بد به خود پرده برداشته و در مقابل حسن ظن بالله را راهی روشن برای ترقی و پیشرفت در اموری مادی و معنوی پیش روی مؤمنین قرار دهد.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۴۰۴ق، **تحف العقول**، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
حر عاملی، محمد بن حسن. بی تا، **وسایل الشیعة**، قم: مؤسسه آل البيت.
خلیل بن احمد. ۱۴۰۹ق، **العین**، قم: مؤسسه دار الهجره.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دار العلم-الدار الشامیة.
طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
الطریحی، فخر الدین. ۱۳۸۶ش، **مجمع البحرین**، به تحقیق: السید احمد الحسینی، بی جا: انتشارات کتابفروشی مرتضوی.
فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. بی تا، **المحجة البيضاء**، مترجم: محمد صادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.
قمی، عباس. ۱۴۲۷ق، **سفینه البحار ومدینه الحکم والآثار**، قم: دار الأسوة.
کلینی، محمد بن یعقوب. بی تا، **اصول کافی**، ترجمه: سید جواد مصطفوی، بی جا: انتشارات علمیه اسلامیة.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰ش، **تفسیر نمونه**، ج ۲۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
نراقی، مهدی. ۱۳۸۸ش، **جامع السعادات**، قم: انتشارات قائم آل محمد.
الواسطی، علی بن محمد بن نزار. بی تا، **عیون الحکم والمواعظ**، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

نرم افزارها

- جامع الأحادیث، مرکز کامپیوتری و تحقیقاتی نور.
جامع التفاسیر، مرکز کامپیوتری و تحقیقاتی نور.

Nahj al-Balaghah

Ibn Shaab Harani, Hassan ibn Ali. (1404 AH). Toghf Alqul, Qom: Teacher's Society, Second Edition

Al-Wasati Ali ibn Muhammad ibn Nazar, Ayoun al-Hakm walmakah, Qom, Dar al-Hadith cultural science institute

Haramali, Mohammad bin Hassan, Al-Shiite equipment, Qom, Al-Alibit institute

Khalil ibn Ahmad, al-Ain, Qom, Dahlaghirya Institute, 1409

Ragheb Esfahani, Hussein ibn Muhammad. (1412 AH). Al-Fardat al-Ghalib, Beirut: Dar al-Kalam, Al-Dār al-Sham'i

Tabatabai, Mohammad Hosein. (1374 AD). Interpretation of Al-Mizan, Translated by: Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications

Al-Tariyahi, Fakhreddin, Assembly of Al-Bahrain, to research: Al-Sayyid Ahmad Al-Husseini, Mortazavi Bookstore, 1386 AH.

Kelini, Mohammad ibn Ya'qub, Sufficient Principles, Translation: Seyyed Javad Mostafavi, Almayyah Publishing House, Beita.

Feyz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza, Al-Mohajla al-Bayda, Translator: Mohammad Sadegh Aref, Ghods Razavi Province, Mashhad

Qomi Abbas, Safineh Al-Bahar and Madinah Al-Hakm and Al-Isar, Dar al-Sawa, Iran Qom 1427 AH, C 2

Majlesi, Mohammad Bagher Bin Mohammad Taghi, Baharalanvar, Succeeded: A group of scholars, Daraahi al-Atr al-Arabi, Second Edition, 1403 Naraq, Mehdi, Jamee al-Sa'adat, Qom, Qa'im al-Muhammad Publications, 2009, Second Edition, J 1 p. 31

Nasser, Makarem Shirazi, Sample Commentary, J 22, Tehran Darolkbat Eslamyeh 2001

Software

Comprehensive Alhadith, Noor Computer Center and Research.

Comprehensive AltvSir, Noor Computer Center and Research.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Suspicion in Qur'an and Islamic Traditions and its Study in Qur'anic Sermons Relating Beginning of Islam Events

Ahmad Mirzaee

Instructor, Tehran Islamic Seminaries, MA, Quran & Hadith University

Fateme Riyahi

Graduated, 2nd Level, Islamic Seminaries of Ladies, Quran & Hadith University

Abstract

In this research, what is the suspicion, harms and threats of bad suspicion against the individual and society and ways to get out of its dangers, and in contrast to the opportunities that good suspicion creates and its individual and social, worldly and otherworldly fruits. In addition, we have determined its limits in the holy Shari'a and tradition, and especially by examining it in the words of Imam Ali Descriptive research method was used to investigate the above cases and by referring to written and unwritten sources and the site, the necessary materials have been collected. What can be named as the result of this research is that: thought, like other blessings of God Almighty, if it moves in its divine path and proceeds under divine management and under the commands of Sharia, is a very important internal factor for human progress and moving towards God Almighty. But if it is managed by the devil and is ruled by the human soul, it becomes a deadly poison for the human soul and the Islamic society.

Keywords: suspicion, distrust, trust, weakness.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی